



نوروز نماد نقش موثر ایران در جهان اسلام است/ منطقه تمدنی هجری شمسی

کی از نقاط مهم ترویج تمدن ایرانی اسلامی به جهان اسلام تغییر تقویم جهان اسلام از میلادی به هجری شمسی است.

یکی از نقاط مهم ترویج تمدن ایرانی اسلامی به جهان اسلام تغییر تقویم جهان اسلام از میلادی به هجری شمسی است. منطقه تمدنی هجری شمسی حوزه تمدنی ایران بزرگ است که می تواند در جهان اسلام پذیرفته شود. محمدرضا جوادی یگانه، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران در یادداشتی که در اختیار خبرنگار مهر قرار داده به موضوع «نوروز، هویت ایرانی-اسلامی و منطقه تمدنی هجری شمسی» پرداخته است؛ منطقه ای که به آن «ایران فرهنگی»؛ «ایران شهر»؛ یا «ایران بزرگ» گفته می شود، منطقه ای است مسلمان و غیرعربی؛ یا خاورمیانه غیرعربی، یا منطقه خراسان بزرگ و عراق (عرب و عجم) در مقابل حجاز و مغرب عالم عربی، یا مشرق جهان اسلام. این منطقه مشابهت های فرهنگی فراوان و سابقه تاریخی یکسان دارد، که این مردم این منطقه را به یکدیگر پیوند می دهد. اما آنچه این منطقه ندارد، یک «نام» دارد.

نام این منطقه بزرگ، پیش از این «ایران» بوده است، اما در زمان رضاشاه در سال ۱۳۰۴، نام رسمی کشور ما از «پارس» یا «پرشیا» به «ایران» تغییر نام یافت. این نامگذاری در همان زمان نیز با نارضایتی همسایگان از جمله افغانستان روبرو شد و البته کشورهای آسیای میانه در آن زمان متعلق به شوروی بودند و جایی برای اعتراض نداشتند. نام یک منطقه بزرگ را روی بخشی از آن گذاشتن، امری بود که باید روی آن تأمل بیشتری می شد، که در دوره رضاشاه نشد. برای تقریب بیشتر به ذهن می توان مثال زد که یک کشور اروپایی، مثلاً آلمان در سال ۱۹۴۰، وقتی که قدرت فائقه را در اروپا دارد، نام کشور خود را از آلمان به اروپا تغییر دهد. مشخص است که سلسله جنبان تمدن ایران بزرگ (و مهمترین بخش در دوره طلایی تمدن اسلامی در سده های ۴ تا ۶ هجری)، منطقه و کشوری است که امروزه «جمهوری اسلامی ایران» خوانده می شود. اما اگر ایران قصد دارد که نقش تمدن ساز خود در جهان اسلام را دوباره ایفا نماید، نیازمند ارتباط موثرتر با همسایگان خود است و راه اصلی آن، زنده کردن آن خاطره درخشان است. بخشی از آن خاطره درخشان، نام است. نام هایی مانند خاورمیانه یا آسیای میانه، بیشتر بر اساس جایگاه جغرافیایی آنها با «غرب» و از سوی غربیان، گذاشته شده است، لذا نام های مناسبی نیستند.

این منطقه باید نام تاریخی خود را داشته باشد، تا آن نام، آن گذشته تاریخی را زنده کند و عملاً در برابر منطقه عربی جهان اسلام، گزینه دیگری را نشان دهد، که همه جهان اسلام، تمدن عربی آن نیست. بخشی از این تغییر در سال های اخیر رخ داده است و آن ایران را بخشی از آسیای میانه دانستن است تا خاورمیانه، یعنی نزدیکی بیشتر ایران با همسایگان غیرعربی خود. این همراهی برای ایرانیان نیز سازگارتر است، به ویژه اگر ارتباطات خود را با شرق و شمال شرق خود گسترش دهند.

مهم ترین مساله در بازیابی آن تمدن درخشان گذشته، بازیابی نام آن است، نامی که تاریخ گذشته و هویت این منطقه است، ولی نام واقعی منطقه، یعنی نام تاریخی ایران، امروزه نمی تواند هویت بخش منطقه باشد، چون نام یک کشور خاص (هر چند موثرترین و مهمترین کشور) است و نام هایی با ترکیب ایران مانند «ایرانویچ»؛ «ایران شهر»؛ «ایران فرهنگی»؛ و «ایران بزرگ» نیز به همین دلیل نمی تواند موفق باشد و نمی توان از کشورهای مستقل همسایه انتظار داشت که نام ایران را برای این منطقه بزرگ بپذیرند. البته وقتی گرد هم آوردن این کشورها، حول «ایران بزرگ» نباشد، ترکیه می خواهد (و احتمالاً می تواند) کشورهای منطقه را حول محور خود گرد آورد (و ایده نعثمانی را تحقق بخشد) و این تهدیدی است که ما از آن غافل هستیم و فرصتی است که از دست می رود. لذا بر اهالی ادب و فرهنگ ایران است که نام مشترک و باسابقه فرهنگی را پیدا کرده و ترویج نمایند.

در غیاب نام مشترک، تأکید بر عناصر مشترک، شیوه مناسبی است. مشخص است که این عناصر نمی تواند عناصر اسلامی یا شیعی باشد. البته بدیهی است که عنصر اساسی هویت ایرانی، بعد اسلامی و شیعی آن است، اما برای ایجاد تمایز با جهان عربی، تأکید بر عناصر غیرعربی (و نه ضدعربی) ضروری است، یا آن بخش هایی که اعراب بر آن ادعایی ندارند و نوروز و زبان و ادبیات فارسی یکی از بهترین آن موارد است. همچنین پررنگ شدن نقش ایران در جهان اسلام، مسلماً بر تقویت عنصر شیعی در تمدن اسلامی خواهد افزود، که البته بحث دیگری است.

یکی از عناصر مشترک، «زبان فارسی» است. زبان فارسی زمانی زبان فرهنگی منطقه از عثمانی تا هند بوده است و بسیار کسان بوده اند که به فارسی شعر می گفته اند ولی نمی توانسته اند به فارسی سخن بگویند، از جمله اقبال لاهوری و گاه مانند سلطان سلیم عثمانی به کشور ایران نیز تهاجم کرده بودند. ادبیات فارسی، قدرت بسیار زیادی دارد برای نزدیکی میان فرهنگ ها و اگر نگاهی به مقاله دکتر شفیعی کدکنی در باره راه های انتشار یک شعر در

قدیم، داشته باشیم مشخص است که ادبیات فارسی و گسترش آن پیوند خورده با موسیقی و آواگذاری روی شعر و نقالی و ورزش زورخانه ای. شعر و ادب فارسی، تنها شعر و نثر نیست و اگر با سایر هنرها همراه نشود فراگیر نخواهد شد و این مساله در سال های اخیر در کشور با محدودیت هایی روبرو بوده است. اما نوروز نقطه همگرایی سهل تری است.

نوروز که نماد و نقطه آغاز تقویم هجری شمسی است، یکی از بهترین نشانگرهای ایفای نقش موثر ایران در جهان اسلام است. تقویم هجری قمری، تقویمی مذهبی است و نه تقویم اجرایی و کاربردی، چون ثابت نیست و هر سال ده روز به عقب می رود، به همین دلیل هم در کشورهای عربی، تقویم کاری رایج، تقویم میلادی است، با نامگذاری متفاوت ماه های سال. اما تقویم میلادی، تقویمی کاملاً مسیحی است و زیبنده نیست مسلمانان از تقویم مسیحی استفاده کنند. اما تقویم هجری شمسی، هم طبیعی است، چون سازگارترین تقویم موجود در جهان با طبیعت و چرخش آن است؛ هم کاملاً اسلامی است چون با هجرت پیامبر اکرم (ص) آغاز می شود؛ و هم ایرانی است، چون ماه های آن از اساطیر ایرانی گرفته شده، و اکنون در ایران رایج است و ایرانیان به عالم اسلام هدیه کرده اند (چه تقویم یزدگری و چه تقویم جلالی).

تقویم هجری شمسی آنچنان با هویت ایرانی-اسلامی ما عجین شده که در دوره پهلوی دوم، تلاش باستان گرایان برای جایگزینی تقویم شاهنشاهی به جای تقویم هجری، یکی از علل نارضایتی شدید مردم و زمینه ساز انقلاب اسلامی شد.

توجه کارگزاران فرهنگی رژیم پهلوی برای تغییر تقویم این بود که تقویم مذهبی ایران، تقویم قمری است و با جایگزینی تقویم شاهنشاهی بجای شمسی، اتفاق خاصی رخ نمی دهد و فقط از سال ۱۳۵۴ به ۲۵۳۴ تغییر می کند. اما اعتراض سریع مراجع از جمله امام خمینی و آیت الله گلپایگانی نارضایتی مردم نشان داد که تقویم هجری شمسی، در مقابل تغییر هجری قمری نیست، بلکه مکمل آن است و با هویت ایرانی-اسلامی ما عجین شده است. یکی از نقاط مهم ترویج تمدن ایرانی-اسلامی به جهان اسلام، تقاضای عمومی برای تغییر تقویم جهان اسلام از میلادی به هجری شمسی است و اهمیت نوروز برای حوزه تمدنی ایران بزرگ، در این مساله است و نه نوروز به عنوان یک جشن باستانی. «منطقه تمدنی هجری شمسی»؛ حوزه تمدنی ایران بزرگ است که به سهولت می تواند در سراسر جهان اسلام پذیرفته شود.